

جای حضور فریاد است

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۹ - ۳۱ می ۲۰۱۰

شعر تازه ی سیمین بهبهانی

هرچند دخمه را بسیار خاموش و کور می بینم
در انتهای دالانش یک نقطه ی نور می بینم

هرچند پیش رو دیوار بسته ست راه بر دیدار
در جای جای ویرانش راه عبور می بینم

هرچند شب دراز آهنگ نالین زمین و بالین سنگ
در انتظار روزی خوش دل را صبور می بینم

تن کم توان و سر پردرد پایم ضعیف و دستم سرد
در سینه لیک غوغایی از عشق و شور می بینم

گر غول در شگفت از من پاس گذر گرفت از من
با چشم دل عزیزان را از راه دور می بینم

من کاج آهنین ریشه هرگز مبادم اندیشه
برخاک خود اگر موجی از مار و مور می بینم

طوفان چو در من آویزد ناکام و خسته بگریزد
از من هراس و پروایی در این شرور می بینم

هر جا خلافی افتاده است جای حضور فریاد است
من رمز کامیابی را در این حضور می بینم

هشتاد و اند من، با من گوید خروش بس کن زن
گویم خموش بودن را تنها به گور می بینم

12 فروردین 1389